

بقعه هارونیه

بری مو... بری تو... بری آزادی، ثرن سمت ای بقعه هارونیه!
اگر برن می گیرنتای دگه آزادی بی آزادی! اینجه ر از الکی
بزش مگن بقعه هارونیه یا گنبد هارون، از الکی مگن آتیشکده
بوده یا نقاره خنه ی یا آرامگاه امام غزالیه. اینجه راستگونیش
اسمش زندان هارونه! زندانه، مفهمین؟! زندان! ایم که می بینن
هم چفت آرامگاه فردوسی هست از زندان یک لنگک بزین
مرسین جای ابوالقاسم. واز پخمه بازی درنیارن که فکر گنین ای
بقعه هه یک جای فرهنگیه ئ توش شاعرا مین از خودشا شعر
ول مذن وخنز کله گنین برن. اونجه بوی شعر مده، ولی توش
شاعر داغ میگردن!

خیلی جلوتر که هنوز بابا گلوئن ننه گلوئی مایم لنگشای به دنیا
نڈشته بودن اووختا که هنوز ای زندان وکیلایاد نبوده که خلافکارا
ر توش لوکه گنین، اویرگهی چلغوز هارون الرشید وخواستنه آمده
تو توس، ای زندان ر دُرس کرده ئ ایناها که با خر مرفتن چفت
مردم خلیطه هاشای مڈزدیدن، اوناها که از رو بومب مرفتن تو
خنه های قلفت طاس آفتابه هار ورمیشتن، اوناها که تو میلانای

راها جلو آدمار با شمشیر چاقون میستن سکه های تو شلیته ئ
ثنبونشای به زور مگرفتن ر مگرفته منداخته تو ای زندان
اونجه از هم لنگ دلنگونشا میگردن روزی یک فُرت اب یک دنه
مل ملی بزشا مِدادن تا ایقذر افتال بزین که همونجه بیمین.
ولی خب مگن همووختم به ایناها که دستاشا تا زانو! تو خزانه
بیت المال بوده ئ خلیطه خلیطه سکه های زر ورمیداشتن پاچال
خودشای پُر میگردن اوناها که گندمای لوکه رفته ی یک قله که
بری روز مبادا بوده ر قلفتی ورمیداشتن میگردن اوناها که به زور
از مردم بری محصولاتشا یک عالم مالیات مگرفتن واز مِدادن
به بچه هاشا که تو سرزمینای دگه به عشق حالشا پرسن، کار
نداشتن به جای ای زندان، مرفستادنشا به تو کاخ عمارتای
شیگان پیگان! حالا ایناها ر که بیشترش ر از خودم دراوردم،
ولی الانشم مگن اگر از هم چفت ای زندان هارون رد برن، ناسن
یک دستی از هم تو زمین درمیه ئ یخننای قُرس می گیره کِشالتا
مده به تو زندان. خُلُشش که مو بری که باها تا یخلا رفتم، دُرم
بزتا مگم که یک وخت ثرن اینجه که هم هیچه ندره!



خلیطه، انبان
مل ملی، دانه حیویات
افتال، ضعیف
شیگان پیگان، وخنز برن تا
ننداخننای زندان!
یخلا، ینکه دلتا باتوم مِخه!

معرفی جاهای مشهد

صفحه ۳
۲۹ آبان ۱۴۰۱
شماره ۵۶
قسمت هفتم
فصل جدید

چینگ چینگ

سین، ترش

چینگ چینگ با جراید

شهرآرا: «ابتلای هشتصد مسافر یک
کشتی تفریحی به کرونا،
چقدر مسئول بگن پول
خوشبختی نمی آره؟ اینم نمونه ش!»



شهرآرا: «برخی استانداردهای ملی
را به کشورهای همسایه می فروشیم»
چقدر به خصوص استانداردهای ملی
صنعت خودرو که چون خیلی متقاضی
دارن، به مزایده می داریم!

جام جم: «سرنوشت یک میلیون شغل
به کجا رسید؟»
چقدر به سرنوشت دلار زیر ۵ هزار
تومن دچار شد!

آفتاب: «قالیباف، منتقد جدید دولت،
رئیس هی هم منتقد جدید
مجلس، آینه... آینه!»

جوان: «یارانه سوداگران ارز قطع
می شود»
چقدر یعنی تا امروز به سوداگران ارز
یارانه می دادین، ولی یارانه خیلی از
کارمندا رو قطع کردین؟!



جوان: «برق ۸ میلیون مشترک ایرانی
مجانی شد»
چقدر که ۷ میلیون و ۹۰۰ هزار تاش برق
خونه خالیا بود!

آرمان امروز: «یارانه نقدی برابر دلار
زانوزد»
چقدر یارانه نقدی خیلی وقته جلو
ریال خودمونم زانوزده!



آفتاب: «بی توجهی شبکه آموزش
صداوسیما به ناشنوایان»
چقدر شبکه های رسانه ملی به بیناها
و شنوایان هم توجهی ندارن، چه برسه
به بقیه!

جوان: «گاز مصرفی ایران، معادل سی
کشور اروپایی»
چقدر درآمد شهروندا اروپا هم معادل
سی هم وطن ایرانی!

آرمان امروز: «ایران بیابان نشود، هشت
سال فرصت داریم»
چقدر دریاچه ارومیه خشک نشه هم
ده ها سال فرصت داشتین!



آسیا: «عذرخواهی برای کمبود
آنتی بیوتیک»
چقدر بیمار می تونن این عذرخواهی
رو به جای آنتی بیوتیک تزریقی یا میل
کنن!

اطلاعات: «دولت با تمام توان برای
تحقق مطالبات مردم تلاش می کند»
چقدر اگه تمام توانش آینه، خدانیاره
روزی رو که ناتوان بشه!

آرمان ملی: «کادر درمان از ایران
می روند، مقصد، عمان»
چقدر خوبه دیگه! تو همه بیمارستانی
دنیا چندتا دکتر و پرستار هم وطن و
آشنا داریم!